

بررسی و تحلیل اندیشه مهدویت در خاندان‌های سنتی آیین یارسان (اهل حق)

۱ جواد لطفی

۲ مهدی بیاتی

۳ علی یاسمی فرد

چکیده

در اندیشه پیروان «آیین یارسان (اهل حق)»، باور به مهدویت نمایان و این موضوع از متون مقدس یارسان قابل برداشت است؛ به طوری که این رویکرد یکی از دلایل انتساب آن‌ها به شیعه امامیه شده است. آنان منجی موعود را یاری دهنده یارسانیان، برقرار کننده عدل و داد، از بین برنده ظلم و ستم و فرستاده از طرف خدا عنوان می‌کنند و خود را از منتظران واقعی او می‌دانند؛ اما این باور مانند بسیاری از عقاید آنان تحت الشعاع اعتقاد به «دونادون» (حلول ذات خدا در روح) قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی دفاتر کلامی این فرقه و ذکر شواهدی در این موضوع، به تبیین مسئله منجی در آموزه‌های آیین یارسان پرداخته و در مورد معانی مختلف صاحب الزمان در منابع یارسان مباحثی را مطرح کرده است. سپس برخی از مشهورترین نشانه‌های ظهور در میان یارسانیان را ذکر و در نهایت به مهم‌ترین اوصاف منجی موعود از منظر متون مقدس و منابع مطالعاتی یارسان اشاره کرده است.

واژگان کلیدی: یارسان، اهل حق، مهدویت، خاندان‌های سنتی، دونادون.

-
۱. دکترای فرقه‌های تشیع از دانشگاه ادیان و مذاهب، ایران، قم (نویسنده مسئول). 138992j@gmail.com
۲. دانشجوی دکترای تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، ایران، قم. Tavab432@gmail.com
۳. دانشجوی دکترای فرقه‌های تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، ایران، قم. Z.benshasteh@gmail.com

مقدمه

یکی از باورهای مشترک میان ادیان و مذاهب مختلف، ظهور منجی موعود در آخر الزمان است که آن منجی زشتی‌ها، پلیدی‌ها و ستمگران را نابود و زمینه را برای گسترش عدل و ایجاد مدینه فاضله فراهم می‌کند.

نوع نگرش به مسئله ظهور، نشانه‌ها، علائم و اتفاقات بعد از ظهور متفاوت است؛ اما در نهایت تمامی مسیرهای مختلف به مقصدی مشترک که ظهور منجی است، ختم می‌شوند. در این میان، بسیاری از ادیان و مذاهب، از جمله اسلام، مسیحیت، یهودیت، زرتشت و خاصه مذهب تشیع امامی؛ باورهای خود را به تفصیل بیان کرده، به همین دلیل برای پژوهشگران و پیروان آن‌ها، مسئله منجی، نکته‌ای شناخته شده است. در مقابل، برخی از باورمندان به مذاهب و فرقه‌های دیگر، مسئله ظهور منجی را به اشکال دیگری مطرح کرده‌اند که جلوه آن در مراسم آیینی این دسته از فرقه‌ها قابل دریافت و مشاهده است و تفاوت‌هایی که در این موضوع با سایر مذاهب دارند، برای همگان شناخته شده نیست.

با بررسی منابع مطالعاتی در آیین یارسان، روشن می‌شود که تاکنون پژوهشی خاص و مستقل در مورد اندیشه منجی در آیین یارسان انجام نشده است؛ بلکه صرفاً به صورت پراکنده در برخی از منابع به آن پرداخته شده است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. نویسنده کتاب «بررسی تحلیلی فرقه اهل حق»، بعد از بحث از ضرورت وجود امام و بحث از صفات وی، به اجمال به مباحث مهدویت نزد یارسان اشاره کرده است (حسینی، ۱۳۹۷: ص ۳۵۴-۳۵۷).

۲. کتاب «شناخت فرقه اهل حق»، بعد از بیان دیدگان یارسان در مورد امامت، اعتقاد این فرقه را به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه به اجمال توضیح داده است (خدابنده، ۱۳۸۲: ص ۱۰۷).

۳. منصور رستمی در کتاب «بازشناسی آیین یارستان (اهل حق)»، ضمن بیان دوره‌های ظهور ذاتی بعد از سلطان اسحاق، دوره صاحب زمان را در چند سطر بیان کرده و به شرایط ظهور منجی اشاره مختصری داشته است (رستمی، ۱۳۹۲: ص ۱۰۹).



معرفی اجمالی یارسان

در زمینه ماهیت مسلک یارسان دیدگاه‌های متنوع و فراوانی وجود دارد. عده‌ای آن را آیینی مستقل و فراتر از سایر ادیان قلمداد می‌کنند و ریشه آن را عالم ازلی می‌دانند (میره بیگی، بی‌تا: ص ۵ و نیک‌نژاد، بی‌تا: ص ۱). برخی، یارسان را از فرقه‌های غالی و منسوب به تشیع به شمار می‌آورند (مشکور، ۱۳۹۵: ص ۷۸). برخی نیز این مسلک را صوفیانه و عرفانی معرفی کرده‌اند (بابازاده، ۱۳۴۷: ص ۷۱-۷۳). برخی دیگر معتقدند راه و روش‌های کنونی یارسان، با استفاده از ذخایر معنوی ایران باستان و افکار غالبانه دوران اسلامی که در مناطق غرب ایران وجود داشته، پی‌ریزی شده است (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ص ۲۲). در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت سرسپردگان یارسان از غلات مستضعف مسلمان منتسب به تشیع به شمار می‌آیند.

بیان تاریخ دقیقی از پیدایش آیین یارسان، امری مشکل به نظر می‌رسد؛ زیرا منابع درون و برون فرقه‌ای، تاریخ مشخصی از پیدایش یارسان ارائه نمی‌کنند. کم سواد پیروان و سران یارسان (خدابنده، ۱۳۸۸: ص ۵۴) و ایمان به اصل «بِسْرِّ مَکُو» (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ص ۲۲)؛ دشواری دستیابی به این هدف را مضاعف کرده است.

پیروان آیین یارسان اذعان می‌کنند برای ظهور پیشوایان مذهبی یارستان و تحریر دفترها، تاریخ دقیقی در دست نیست (القاصی، ۱۳۶۲: ص ۹)؛ اما محققان، پیروان و جریان‌های گوناگون یارسان، «سلطان اسحاق برزنجه‌ای» را مهم‌ترین رهبر و توسعه دهنده این فرقه دانسته و او را «مُقنن و مُجدد» آیین یارسان می‌دانند (خدابنده، ۱۳۸۸: ص ۳۵؛ خواجه‌الدین، ۱۳۶۲: ص ۲-۳؛ الهی، ۱۳۷۳: ص ۳۲؛ صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ص ۱۹-۲۰؛ مَکری، ۱۳۶۱: ص ۹ و روحانی‌نژاد، ۱۳۹۶: ص ۳۰۰).

مسلک یارسان دارای یازده خاندان مختلف است که تمامی پیروان این مسلک، به سرسپردن (پایبندی) به یکی از آن‌ها موظف هستند (الهی، ۱۳۷۳: ص ۶۰؛ سوری، ۱۳۴۴: ص ۱۷۱؛ مرادی، ۱۹۸۶: ص ۱۱۳؛ خدابنده، ۱۳۸۲: ص ۱۹۶؛ صفی‌زاده، ۱۳۸۷: ص ۶۶۴ و همان، ۱۳۷۵: ص ۵۹۶). هفت خاندان، به نام‌های «شاه‌ابراهیمی»، «خاموشی»، «بابا یادگاری»، «عالی‌قلندری»، «میرسوری»، «مصطفائی» و «حاجی باویسی»؛ به دستور سلطان اسحاق و در زمان حیات وی در قرن هفتم هجری، توسط برخی از «هفت‌تن» و «هفت‌وانه» که دو طبقه از یاران مهم سلطان



اسحاق هستند؛ تشکیل شدند. چهار خاندان دیگر به ترتیب به نام‌های «باباحیدری»، «ذوالنوری (زنوری)»، «آتش‌بیگی (مشعشی)» و «شاه‌حیاسی» در قرن‌های یازدهم تا سیزدهم هجری پدید آمدند (خدابنده، ۱۳۸۲: ص ۴۵-۴۹).

پیروان مسلک یارسان در ایران و برخی از کشورهای دیگر زندگی می‌کنند؛ اما از تعداد و جمعیت آن‌ها آمار دقیقی در دست نیست و آمارهای ارائه شده صرفاً بر اساس حدس و گمان است.

مرکز استقرار یارسانیان ایران، در برخی از مناطق استان‌های کرمانشاه، البرز، آذربایجان شرقی و غربی، تهران، همدان و لرستان است (سلطانی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۷ و خدابنده، ۱۳۸۲: ص ۵۵).

با وجود خاندان‌های مختلف و اختلافات آن‌ها، پیروان این فرقه از زمان پیدایش، براساس سنتی خاص، با نامی مشترک و بزرگانی مورد احترام همه خاندان‌ها و اماکن مقدسه‌ای که بین ایشان از قداست خاصی برخوردار است؛ روزگار گذرانده و تا قرن سیزدهم هجری شمسی یکپارچگی خود را حفظ کرده‌اند (مستوفیان، ۱۳۸۹: ص ۳۸۷)؛ اما در اواخر قرن سیزدهم هجری شمسی و نیز در سال‌های اخیر، جریان‌های نوپدیدی در یارسان شکل گرفت که از جنبه‌هایی با رویکرد سنتی این فرقه سازگار نبوده و همواره با برخوردهای تند خاندان‌های مختلف سنتی یارسان مواجه بوده است که دو جریان «مکتب» و «یارسانیزم- یارسانی‌ها» از شاخص‌ترین آن‌ها هستند (لطفی، ۱۴۰۰: ص ۲۵۱). باتوجه به وجود خاندان‌ها و جریان‌های مختلف در مسلک یارسان، نسبت به مهدویت و ظهور منجی در آیین یارسان طبیعتاً دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارند که در این نوشتار نگاه خاندان‌های سنتی را به مهدویت، مورد بررسی قرار خواهیم داد و بیان دیدگاه‌های جریان مکتب و یارسانیزم در مورد مهدویت در نوشتاری دیگر بررسی خواهد شد.

منجی موعود در باور یارسان

یکی از مسلمات در باور یارسان، اعتقاد به مسئله منجی است. از منظر یارسان، منجی هم اکنون موجود، ولی از نظرها غایب است (بابازاده، ۱۳۷۴: ص ۱۵۱).



بزم‌ت تا وکی وعده عزم تو	گشادی عالم هانه بزم تو
بگیره و دست قبضه ذوالفقار	وعده وقتتن سلطان سالار
بندی خلاص کر نه قلعه بی در	بشانه و ضرب بازوی پر هنر
عازیز تا وکی پنهانی پردت	و یارانه حد اقرار کردت

ترجمه: تا کی منتظر قیام تو باشیم، گشایش عالم با جشن قیام تو بر پا می‌شود؛ ذوالفقار را در دست گیر که وقت قیام توست، ای سالار! با ضرب توانمند شمشیر خود زندانیان را آزاد کن؛ و یاران اقرار کردند، ای عزیز! تا چه زمانی می‌خواهی در پرده غیبت باشی (ملک علی سلطان، ۱۳۸۷: ص ۳).

خان الماس لرستانی (متوفای ۱۰۷۲ق) از بزرگان یارسان مناطق لر نشین، در سروده‌ای به این موضوع اشاره کرده است:

غایب مونه چم میزای آخرین	دوم برنوی پامال میودین
کم کس ممانو و رای راسه وه	شا مچو و دون کس مناسه وه

ترجمه: دوم وقتی که دین پایمال و منکوب می‌شود، آخرین بازمانده نسل امیران دین غایب می‌شود؛ سلطان دین به لباسی در می‌آید که شناسایی وی برای عامه مردم ممکن نباشد؛ کم‌تر کسی به اصول راه راستی پایبند است (چراغپوران، ۱۳۸۹: ص ۲۱۴).

به اعتقاد یارسان، تمامی تجسدها که از ابتدای آیین یارسان تجلی ذات بوده‌اند؛ روزی که مهدی خود را آشکار کند، خواهند آمد (ایوانف، ۱۴۰۰: ص ۳۱). پیروان آیین یارسان معتقدند منجی به امر کردگار و پس از توسل مردم به امامان ظهور خواهد کرد و یارسان را از گرفتاری نجات خواهد داد:

نودم که کشتار بی سامان میو	خلق هاوار و لطف امامان میو
من بعد سرداری سر و دار میو	وامر فرمان کردگار میو
چه مدینه شار ذره دار میو	جارچی هدایت صاحب کار میو
س ام و نامش میو	بر و بوم و بحر و کامش میو
شواره شرر و سیفش میو	کشتار کافر و کیفش میو

ترجمه: از شهر مدینه، صاحب ذات برای هدایت ظهور می‌کند. نام او «س ام» است و آسمان و



زمین و دریا در حیطة اختیار اوست. با شمشیر بران و آتشین خود، کافران را به سزای اعمالشان می‌رساند (نیک نژاد، ۱۳۵۲: ص ۴۸).

از منظر ایشان، دوره ظهور صاحب الزمان که ذات علی علیه السلام در منجی تجلی کرده است؛ پایان بخش دوره‌های ظهور است و او جهان را از نابسامانی نجات می‌دهد (القاصی، ۱۳۵۸: ص ۲۱). مبارکشاه علوی، ملقب به شاه خوشین لرستانی (متولد ۴۰۶ ق)، اساس فکری پیروانش را بر استوانه جاویدان ولایت حضرت علی علیه السلام و ظهور منجی استوار کرده و معتقد بود ظهور منجی از غیر سلسله علویان کاذب و غیر حقیقی است (سلطانی، بی‌تا: ص ۴۴). تیموریان زند از سرسپردگان خاندان بابایادگاری در این زمینه می‌نویسد:

بنا به فرمایشات بزرگان یارسان، ورد زبان همیشه این مردم، کلام حق بوده و گوششان در انتظار صلاى ظهور و چشمشان منتظر دیدار لحظه ظهور می‌باشد و لازم است در پاک کردن خود از نفسانیات و لایق گردانیدن خویش برای آن لحظه بکوشند:

گوشش و گلبانگ صلاى هیهات بو چمه رای ظهور یکدانه ذات بو

(تیموریان زند، ۱۳۷۷: ص ۲۹).

بر اساس همین اعتقاد، در اشعار و نوشته‌های آیینی که به «کلام» مشهور است، در ابتدا ظهور منجی را به پیروان خود وعده می‌دهد که سال‌هاست در انتظار منجی آخر زمان بوده‌اند تا وی به ناپاکی‌ها پایان دهد. درویش نوروز سورانی از خاندان حیدری در دفتر کلامی خود در بند «دله نیک بد» می‌گوید:

دله نیک و بد، دله نیک و بد	بسازه چنی یانه‌ی نیک و بد
وقتی باوریم فرصت کر وه رد	بسانیم حقان وه تیغ یک صد
میل کردن پریم رحمت و بیحد	خراب کیم خاپور یانه‌ی مرغ بد

ترجمه: ای انسان! امیدوار باش که یاور مظلومان می‌رسد و با تیغ خود حق‌های گذشته را صد برابر می‌گیرد و خانه بد اندیشان و بدکاران خراب می‌شود (دفتر نوروز، ۱۳۱۴: ص ۱۳۸).

همچنین درویش فارغ کرمانشاهی، از سرسپردگان خاندان حیدری گفته است:

بهارى آمان بهارى آمان	سوزه درختان بهارى آمان
قاصدى خیزا آمان وه لامان	تازه مبو چرخ راستی کلامان

هفت ستاره اوج مسازو کاری
شش گوشه جهان قایم بو وه نور
برق ذوالفقار بگيرو جهان
طولی ژ یاری شاخه بکیشو
بلبل بشاخو وه نظم و آهنگ
دله هر وه شوق سقام صلا
نسیم قدرت شمع چراخان
نه روز جمعه جمعه ی صلا
فارغ فارغن نه قال بلا

راست مبو رونق دنگ دیاری
بریزو وه هم سپای سلم و طور
ملت ملتان باچان الامان
خائن زیون بو ذلیل بنیشو
اوسا دیار بو یکرنگ و دورنگ
ریا بار دین دیدار مولا
طوطی بو هامراز بلبل نه باخان
نمایان مبو وای روژ بلا
خواجاش بنیامین وه سر صلا

ترجمه: ای درختان سبز (مردم مومن)! بهاری فرا می‌رسد که راستگوها پیروز می‌شوند؛ شش گوشه جهان را نور می‌گیرد و سپاه سلم و طور به هم می‌ریزد؛ برق ذوالفقار جهان را فرا می‌گیرد؛ ملت‌ها به امان می‌آیند؛ ذاتی (وجودی) از یاری (یارسان) بلند می‌شود؛ خائنان ذلیل می‌گردند؛ یکرنگ و دورنگ (مومن و کافر) از هم جدا می‌گردند؛ کسانی که انتظار کشیده و شوق دیدار داشته‌اند از قدرت حق نورانی می‌شوند. شروع این قدرت در روز جمعه است (دفتر درویش فارغ، بی‌تا: ص ۵-۶).

آنچه از محتوای شعر مذکور بر می‌آید، آن است که در آیین یارسان نیز مانند مذهب شیعه امامیه، زمان ظهور روز جمعه است و منجی موعود در این روز به انتظار منتظرانش پایان می‌دهد.

درویش نوروز سورانی، از بزرگان مسلک یارسان و سرسپردگان خاندان بابا حیدری در قرن سیزدهم هجری، در کلامی تحت عنوان «دله ظهورن» چنین می‌گوید:

دلم زمان دار صاحب ظهورن
مست باده نوش شربت نورن
عاشق عینک آئینه بلورن
التجای باقی خاطر منظورن
هامپای پیاله ساقی منصورن
خوشخوان خوشین جای انطهورن
دیده وان دور دوردوین نه دورن

(دفتر نوروز، ۱۳۱۴: ص ۱۲۵).



یکی از محققان در زمینه مهدویت در آیین یارسان می‌گوید:

سرسپردگان مسلک یارسان معتقدند مهدی موعود در آخرالزمان ظهور و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد و سزای که خداوند به پیامبران گفته، سزای نبوت که از آدم شروع شده و به محمد ﷺ که خاتم انبیاست، رسیده و از آن پس، به نام سزای امامت که محمد ﷺ به علی علیه السلام گفته و از علی علیه السلام تا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه که دوازدهمین امام شیعه اثنی عشری است، منتقل گردیده؛ پس از غیبت امام دوازدهم، این سزای به مقدسان و پیران که رئیس و سرسلسله طریقت و حقیقت و قطب زمان خودشان بوده‌اند؛ یکی پس از دیگری و براساس دونادون^۱ گفته شده و نزد همین سرسلسله‌های دوازده‌گانه یا یازده‌گانه «سزای امامت» موجود بوده است (خدابنده، ۱۳۸۸: ص ۱۰۷).

رشته اصلی پیوند یارسان با مذهب تشیع، به پذیرش ولایت امیرمؤمنان، علی علیه السلام که با نوعی همراه مبالغه است، برمی‌گردد. شیخ امیر در عظمت وجودی حضرت علی علیه السلام گفته است: هفت طبقه زمین تا آسمان، چنانچه وصف شاه مردان علی علیه السلام گفته شود، تمام نخواهد شد.

هفت طوق زمین تا چرخ کبو وصف شای مردان تمام نمبو

(شاه‌ابراهیمی، ۱۳۷۴: ص ۸).

یارسان پس از امیرمؤمنان، علی علیه السلام به فرزندان گرامی ایشان اعتقاد دارند؛ حتی معتقدند که امام دوازدهم در آخرالزمان ظهور و دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد. پذیرش اصل امامت معصومان علیهم السلام با استناد به مواردی که در ادامه خواهد آمد؛ از سوی یارسان روشن است.



۱. دونادون در اندیشه یارسان به معنای گردش روح در زمان‌های مختلف (دوران) در اماکن مختلف دنیا است. یعنی روح با ورود به جسم‌های مختلف تجلی می‌کند و زندگی‌های متعددی را طی می‌نماید (اکبری، ۱۳۸۵: ص ۲۴). بر اساس این اصل، روح (نفس) انسان هزار جامه را طی می‌کند و پس از هزار و یکمین بدن که شایستگی و طهارت و تکامل لازم را به دست آورده است به حق واصل می‌شود و اگر انسان در مدت مذکور به سمت گناه کشیده شود و به موجب آن پس از مفارقت، وارد بدن انسانی ناقص‌الخلقه یا کریه‌المنظر خواهد شد تا با زندگی سخت و پر مشقت مواجه شود یا به بدن حیوان یا نباتی حلول می‌کند تا مجازات شود. چه بسا ممکن است که بعضی از نفوس به جهت گناه و عصیان، بیش از هزار بدن حتی دو هزار یا بیش تر از آن تجربه کنند. یارسان دونادون را ضرورتی برای تکامل نفس تلقی نموده‌اند و فرق آن با تناسخ از منظر معتقدان آن مانند پیروان آیین هندو این است که هندوها تکامل و ترقی را در امر مذکور لحاظ نکرده و سیر گردش روح را دایمی و ثابت تصور نموده‌اند (رستمی، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۶۶-۶۷).

جایگاه ائمه اثنا عشر علیهم السلام در کلام خان الماس این گونه است:

جم هانای روی تنگ التجای یاره
جم مقام عشق هشت و چواره
پی بعدش وعده هن و هزار بو
رخصت ژمهدی علیه السلام شای صاحبکار بو

ترجمه: جم فریادرس روز شدايد و برآورنده التجای یارسان است و جایگاه و مقام ائمه اثنا عشریه می باشد؛ برای بعد از آن وعده هزار و اند است و اجازه از حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف فرمانروا می باشد (سلطانی، ۱۳۸۵: ص ۷۶). همچنین قول ولی؛ از بزرگان یارسان و وابسته به خاندان شاه ابراهیمی، به صورت شفاف اعتقاد به ائمه اثنا عشر علیهم السلام را این گونه تبیین کرده است:

ابتدا علی دور شاه اولیا نور مقدس حسن مجتبی
یا حسین شهید کربلا سینه امیدوارم ایله شفاعت
شفاعت کاین دور زین العابدین محمد باقر دور امامین
جعفر صادق دور نور پاک دین اونون مذهبنده قیلین عبادت
یا موسی کاظم شاه مظفر او شاه خراسان آچان مشگلر
یا علی رضا ذلیم مضطر قویما منکر لردن چکه ندامت
منکر غنیم اول محمد تقی حقیقت گوهری علی النقی
ای قبله عالم حسن عسکری معدن کرم سن کان سخاوت
من سنی تانورام شکسیز بیگمان سنده دور شاهها الامان
خاوندکار سن سن یا صاحب الزمان منکر جبر ایدر یوم قیامت
علامتین ظاهر ایلیه بیلم سنندن اذن اولمل ساسویلیه بیلم
من قول ولیم ایلیه بیلم تا ظاهر اولماسون کشف و کرامت

ترجمه: اول از همه علی علیه السلام شاه اولیاست و پسرش، حسن مجتبی علیه السلام نور مقدس، حسین علیه السلام شاه کربلاست که امید شفاعت از او دارم؛ معدن شفاعت امام زین العابدین علیه السلام است؛ امام آشکار ما محمد باقر علیه السلام است؛ امام صادق علیه السلام نور پاک دین است که بر مذهب جعفری عبادت خدا می کنیم؛ ای حضرت موسی کاظم علیه السلام، پادشاه عالمین که مشکل گشایی می کنی! ای امام رضا علیه السلام شاه خراسان! من ذلیل و مضطربم، عنایت کن که از منکران امامت شما طعنه نشنوم؛ یا محمد تقی علیه السلام! از هر چیزی غنی می شوم؛ گوهر حقیقت امام علی النقی علیه السلام است؛ ای



قبله عالم حسن عسکری علیه السلام! که معدن کرم و سخاوت هستی! من تو را می‌شناسم؛ بی‌گمان، امان از شماست ای شاه عالم! صاحب کارهای ما تویی ای صاحب الزمان! من منکر تو نمی‌شوم تا روز قیامت؛ تا تو اذن ندهی نشانه‌ای از تو را نمی‌توانم آشکار کنم؛ من در برابر حرف شما نمی‌توانم حرفی بزنم تا کرامت شما بر دیگران آشکار شود (چهل اختران، ۱۳۸۲: ص ۳۱۴).

بابا یادگار که یارسانیان او را مظهر امام حسین علیه السلام می‌دانند، گفته است:

خورشید شوقم بی و جهانگیر	امام حسین بیم فرزند امیر
کاکام ابراهیم امام حسن بی	سلسله‌ی سپای قریش شکن بی
مظهر حسن و حسینیم ایمه	ساقی سقابخش چل تنیم ایمه

ترجمه: نور وجودم جهانگیر شد، امام حسین، فرزند حضرت امیر بودم؛ برادرم ابراهیم، امام حسن بود که سلسله سپاه قریش را در هم شکست. من و برادرم مظهر حسن و حسینیم و ساقی چهل تن^۱ هستیم (شاه ابراهیمی، ۱۳۷۴: ص ۳۳۹).

صاحب الزمان در کلام یارسان

صاحب الزمان در کلام‌های یارسان، مشترک لفظی است که در دو معنا به کار رفته است:

معنای اول

صاحب الزمان به کسی گفته می‌شود که از ذات حق متجلی باشد و افرادی از بزرگان یارسان، مثل شاه‌خوشین لرستانی، بابانائوس و سلطان اسحاق برزنجی از ذات متجلی بوده‌اند و به صاحب الزمان موصوف هستند. شیخ امیر زوله‌ای (متوفای ۱۱۲۵ق) یکی از بزرگان یارسان در دیوان کلام خود، صاحب الزمان را متجلی ذات حق تعالی می‌داند و چنین بیان کرده است:

پادشام نه دون هیچ کس نزان هروقت بخیزو صاحب زمان

ترجمه: پادشاه عالم در جامه‌ای قرار گرفته که کسی او را نمی‌شناسد. هر وقت قیام کند، صاحب زمان خواهد شد (شاه ابراهیمی، ۱۳۷۴: ص ۱۸).

۱. به اعتقاد اهل حق، خداوند امام حسن و امام حسین علیه السلام را برای ارشاد مردم از گوهر خود آفرید (صفی‌زاده، ۱۳۸۷: ص ۲۷).



معنای دوم

منظور از صاحب الزمان، همان منجی آخرالزمان است و در همین زمینه آخرین دوره ظهور ذاتی را دوره «ظهور صاحب زمانی» نامیده‌اند (رستمی، ۱۳۹۲: ص ۱۰۳-۱۰۹).

برخی دیگر وی را به عنوان خون خواه امام حسین علیه السلام دانسته‌اند که علاوه بر خون خواهی، آن حضرت، علیه ظلم و ستم قیام می‌کند و در نهایت عدل و داد را بر روی زمین گسترش می‌دهد.

سر وینه خزان مریزو عینین دعوی حق خون امام حسین

ترجمه: منجی موعود به خون خواهی امام حسین علیه السلام قیام می‌کند و سرهایی از تن جدا می‌شوند (باباجانی، ۱۳۸۷: ص ۶-۷).

دوسته پیامه‌ای (متوفای ۱۲۹۰ق)، از یاران سید براکه حیدری گوران، ظهور صاحب الزمان را این‌گونه بیان کرده است:

اوساکه میو شاه صاحب زمان حیونا و مریزونه موج دامان

ترجمه: آن‌گاه که صاحب الزمان ظهور می‌کند، [بر اثر جنگ] خون فراوان ریخته می‌شود (دوسته پیامه، ۱۳۸۷: ص ۹).

به اعتقاد یارسانیان در آخرالزمان بعد از جنگ‌ها و کشتارهای عظیم، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمانروای زمین و آسمان می‌شود و هفتاد و دو دین، به یک دین تبدیل می‌گردند. در پی این تحولات، عدل و عدالت حکم فرما می‌شود و ایشان آرزوها و تمایلات دوستان را به هدف اجابت می‌رساند و بر عالم احاطه پیدا خواهد کرد (فرخ‌منش، ۱۳۸۲: ص ۲۳۱-۲۳۲).

هفت شو و هفت رو جنگ دین میو او آسیاوان کل و خوین میو

هفتاد دو دین و یه دین میو سر مذهب و دس بنیامین میو

(عالی نژاد، بی تا: ص ۵۰).

بنابر متون کلامی یارسان، حضرت عیسی علیه السلام هنگام ظهور، منجی موعود را همراهی خواهد کرد. سلیم موصلی (متوفای ۱۱۱۷ق) از چهل تنان در مورد همراهی حضرت عیسی با منجی آخرالزمان می‌گوید:

سواری پیدا موچه کان و مکان شوقش مداوه دسان و دسان

پاش جه زمین مو سرش جه آسمان شفاف مگیرو قاف تا قاف جهان



اسبش دلدل بی پنش مو سوار عیسی بن مریم مو و جلو دار

ترجمه: سواری مأمور خواهد شد که دلها از حضورش روشن می‌گردد و شعاع نورش سراسر جهان را فرا می‌گیرد. وی بر اسبی مانند دلدل سوار است و عیسی بن مریم عَلَيْهِ السَّلَام در این قیام، همراه او خواهد بود (شاه‌ابراهیمی، ۱۳۷۴: ص ۶۲۲).

ظهور و انتظار در متون یارسان

تیمور بانیارانی ملقب به «شاه تیمور» از شاگردان سید براهکه حیدری و منسوب به خاندان حیدری، معاصر ناصرالدین شاه قاجار، مفهوم ظهور را به نحو شایسته و روشن این‌گونه بیان کرده است:

ظهور یعنی ظلم هیز گرد نه عالم گشادی قایی شوق‌ها نه طالم

ترجمه: ظهور، یعنی ظلم در عالم تمام و گشایش در کارها نمایان خواهد شد و خوشحالی و شادی برایم محقق می‌گردد (یاری، ۱۳۸۷ الف: ص ۱۰).

شیخ امیر از خاندان خاموشی، مفهوم انتظار را در کلامی دیگر این‌گونه مطرح کرده است:

هر کس واقف و سر نهان بو پیشروی مولای صاحب زمان بو

ترجمه: منتظرانی که از سر نهان آگاه هستند، جلوتر از مولایم در انتظار به سر می‌برند و به استقبال ایشان خواهند رفت (شیخ امیر، ۱۳۷۴: ص ۹۱-۹۲).

درویش فارغ کرمانشاهی در مورد انتظار این چنین می‌گوید:

فارغ دایما و انتظاری چم و رای وقتن و حکم یاری

ترجمه: ای فارغ! در هر حال منتظر هستی؛ چشم به راهی تا زمان دیدار فرا رسد و این انتظار براساس حکم آیین یاری است (فارغ کرمانشاهی، ۱۳۷۳: بند ۱۴).

مهدی در متون یارسان

سید خلیل عالی‌نژاد از خاندان عالی قلندری که در سال ۱۳۸۰ در کشور سوئد کشته شد (کاکاسلطان، ۱۳۹۴)؛ در پاسخ به این پرسش که اعتقادات اهل حق در مورد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام چیست؛ می‌گوید:



اکثر مومنین جهان و نیز کلیه ادیان الهی منتظر ظهور یک ناجی هستند که از طرف حق تعالی آمده تا به انتظار عشاق الهی خاتمه دهد؛ مثلاً در آیین عیسی، [مسیحیان] منتظر ظهور حضرت ایشان و یا شیعیان در انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند. اهل حق معتقد است که ذات مهدی در وجود حضرت پیربنیامین تجلی یافته و به عبارتی پیربنیامین مظهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد و آخر الامر مشیت الهی چنین مقرر خواهد فرمود تا آن ذات اصلی که در وجود هر سه شخصیت یاد شده تجلی داشته، ظهور نماید تا جهان ترتیب دیگری یافته و مراد و مطلب و مورد نظر تمام ادیان حاصل گردد. وجه تسمیه این سه شخصیت که همانا ذاتیه حاکم بر وجود ایشان بوده است، یکی است با اسمای متفاوت در زمان‌های مختلف، به عنوان معلم خداشناسی و خداپرستی برای وجود جوامع مختلف بشری، بسته به درجه استعداد و نیاز روحی هر کدام (پرسش و پاسخ، ۱۳۶۵: ص ۱۶).

در دیوان خان الماس لرستانی بعد از ذکر وقایع و حوادث مربوط به مسئله ظهور، به صراحت نام مهدی ذکر شده است:

پیدا مو مهدی صاحبو ذره و نور سیف دو سرش مکیشو شرار

ترجمه: ناگهان صدای حضرت مهدی صاحب ذات و نورانی پیدا می‌شود. از شمشیر دو سر آن امام نورانی آتش زبانه می‌کشد (عالی نژاد، بی تا: ص ۶۹).

همچنین در این مورد آمده است:

ژه ماوای عراق ذره دار میو پیشرو مهدی صاحبکار میو
سین الف و میم و نامش میو سراسر جهان و کامش میو

ترجمه: از سرزمین عراق سام نامی بر می‌خیزد و همراه با حضرت مهدی می‌باشد و سرا سر جهان را با کام روایی فتح می‌کند (همان: ص ۵۰).

سام در متون یارسان

در متون کهن یارسان از شخصی به نام «سام» سخن به میان آمده است که بیش‌تر در دو نقش، حضور پررنگی ایفا می‌کند:

اول: همان‌طور که در معنای اول صاحب‌الزمان گذشت و با مشخصاتی که در کلام مختلف از



سام بیان شده است؛ او همان صاحب ذات است که در هر دوره فقط یک شخص، به عنوان صاحب ذات وجود دارد (کلام خان الماس، بی تا: ص ۳۲).

دوم: سام، یکی از اسامی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. خان الماس لرستانی از رهبران یارسان در بند «یاران سام میو» ظهور ایشان را این چنین بیان کرده است:

یاران سام میو	هن چنی هزار یاران سام میو
سام و فرمان پادشام میو	پری دستگیری خاص و عام میو
سام میو یاران چه آخر زمان	دادش مگیر و زمان و آسمان
اوساکه عالم پرژه ستیز بو	خلایق یکسر او وخته گیژ بو
سام میو دنیا وارسته کرو	سراسر ولات آراسته کرو
دنیا پرژه داد مکر یاران	دادش موارو چون تگر واران
سراسر دنیا مو و چراغان	خاران و کفار گرد مون داغان

ترجمه: ای یاران! سام می آید؛ مدتی بیش تر از هزار سال، سام خواهد آمد؛ سام به فرمان پادشاه عالم برای دستگیری از خاص و عام می آید؛ سام در آخرالزمان خواهد آمد و عدالتش زمین و آسمان را فرا می گیرد. آن زمان که سراسر عالم پر از جنگ و ستیز است، و تمامی مردم در حیرت و سرگردانی هستند؛ سام می آید و سراسر دنیا را به نور خود آراسته می کند؛ عدالتش همچون تگرگ بر همه جا می بارد؛ سراسر جهان چراغانی می گردد و کفار و بی دینان همگی از بین می روند (همان، ص ۶۹).

براساس مطالب مذکور، چند نکته اساسی درمورد سام حایز اهمیت است که به آن ها اشاره می شود:

۱. سام در ادبیات عامیانه زبان کردی به معنای «تندباد شدید» و «سوزان قدرتمند» ترجمه می شود و در کلام یارسان افرادی که صاحب ذات هستند و در برخورد با کفار شدت برخورد داشته اند، استفاده شده است؛

۲. سام در هر دوره ای در جامعه های متفاوت ظهور دارد؛ اما نمی تواند همان منجی موعود باشد و همانند او عدالت را برقرار کند؛

۳. او با کارهای اصلاحی و مقابله با کفار، به عنوان زمینه ساز ظهور منجی موعود به شمار

می‌رود؛

۴. سام قبل از ظهور منجی موعود یا کشته می‌شود، یا منجی را همراهی می‌کند. معانی ذکر شده را به عنوان نمونه می‌توان از کلام ذیل برداشت کرد:

ژ ملک عراق میو سرداری	چو سام ورین گران سواری
او هم و اسمن هم سامن نامش	عالم ملرزو و زور سامش
او ذره نه ذات صاحبکار دارو	ژ دیدش غضب پی خار موارو
صاحب ذاتن اونه خان آتش	کشتار مکرو لَش و بان لَش
نه کشتار سام صاحب ذات و زور	اسرافیل نه عرش دَم موی و صور
نه کشتار سام نه عُرشت صور	پیدامو مهدی مولای لاقُصُور

ترجمه: از سرزمین عراق سرداری ظهور می‌کند که مانند سام قبلی برخورد شدید دارد. نام و خصوصیات او مانند سام اول است که عالم از نامش به خود می‌لرزد. او ذره‌ای از ذات صاحب کار عالم را دارد که نسبت به کفار غضب‌ناک است. مثل خان آتش صاحب ذات است؛ کشتار بسیاری انجام می‌دهد؛ به طوری که پیکر روی پیکر می‌افتد. پس از کشتار سام اول که صاحب ذات و قدرت است؛ اسرافیل در عرش در صور می‌دمد. پس از این کشتار سام و صدای بلند صور، مهدی که معصوم است، پیدا می‌شود (نیک نژاد، ۱۳۵۲: ص ۳۲).

درویش «شکرگهواره» (متوفای ۱۲۹۶ق) از چهل نفری که مقام آن‌ها نزد یارسانیان تقدس دارد، ظهور منجی را بشارت داده است و می‌گوید:

نه روز جمعه دیار دو علم
ذوالفقار و خشم شکاک کو قلم

ترجمه: در روز جمعه علم نمایان می‌شود و با خشم ذوالفقار شکاکان از بین می‌روند (یاری، ۱۳۸۷ب: ص ۴).

نشانه‌های ظهور

ظهور منجی در متون مقدس آیین یارسان، همراه با نشانه‌ها و ویژگی‌های خاصی ذکر شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:



گسترش ظلم و فساد

هنگام ظهور، تمام افکار پاک و خیالات پاک از بین می‌روند و از آداب و رسوم یاری و جم و جمخانه خبری نیست و رحم و مروت و راستی و ردا از جهان رخت بر می‌بندند و افرادی ظاهر می‌شوند که ذهنشان تاریک است و کوتاه نظرند و روزبه‌روز بدی بیش‌تر می‌شود. مهر و محبت از بین می‌رود و خوشی‌های زمانه مانند طوق اسارت است. حج حاجیان مقبول درگاه حق نیست؛ دختران باکره بی‌حیا می‌شوند؛ زن از شوهر خود گریزان است و رابطه مرید و مرادی از بین می‌رود و با هم رفتار درستی ندارند و پدر از فرزند خود گریزان می‌شود. رای حق تلخ و رای باطل بسان قند شیرین می‌شود و ظلم و ستم کل عالم را فرا می‌گیرد. افراد یارسان ذلیل و خوار می‌شوند و دوره به کام افراد شریر می‌شود؛ دوره دروغ فرا می‌رسد و عرصه جهان به علت ظلم فراوان، بر مردم تنگ می‌شود. افراد دارا و ثروتمند گدا صفت می‌شوند و به بیچارگان کمک نمی‌کنند و ایمان مردم به سردی می‌گراید (عالی نژاد، بی‌تا: ص ۴۴-۵۰ و نیک نژاد، ۱۳۵۲: ص ۴۲-۵۱).

دور دور درو و راس نــــا
دورهان فانی دور سرد میو
دیاره راسوشان چو سنگ کهنه مزار
چون مردان مرد و نامرد میو

ترجمه: دوره دروغ است و راست کم پیدا می‌باشد و افراد راستگو همچون سنگ کهنه نشان داده می‌شوند. دین و ایمان کمرنگ و سرد می‌شود و مردان بزرگ از مردانگی رویگردان می‌شوند (عالی نژاد، بی‌تا: ص ۵۲).

دمیده شدن صور اسرافیل

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور در کلام سراینندگان یارسانی، دمیده شدن در صور اسرافیل است که در بیت ذیل بیان شده است:

صور اسرافیل نه روی او ره وه
یالدار و بالدار نه چوار دوره وه

ترجمه: اسرافیل در عرش و بالای ابرها در صور می‌دمد و آنچه چرخنده و پرنده هست در آن صحنه جمع می‌شوند (نیک نژاد، ۱۳۵۲: ص ۱۹).

جنگ و کشتار قبل از ظهور

از دیگر نشانه‌های آخرالزمان و ظهور منجی در باور یارسان، جنگ و کشتار فراوان است که در



کلام بسیاری از آنان، به این موضوع پرداخته شده است:

چوار گوشه جهان و سرهنگ میو
ژه ظلم ظالم دل و تنگ میو

ترجمه: در چهار گوشه جهان، حکومت سرهنگی و نظامی بر پا می‌شود و مردم از ظلم ظالم دلتنگ و ملول هستند (عالی نژاد، بی تا: ص ۴۵).

پیدا شدن قباله شاهی

یکی از نشانه‌های ظهور در یارسان، «قباله سَرْمَگو» است که در متون خطی با نام‌های گوناگون قباله شاهی، قباله سر، قباله شاه نهاد یا شاه نهانی و در برخی کلمات به صورت مطلق قباله آمده است. پیروان یارسان معتقدند که امام علی علیه السلام، «قباله سَرْمَگو» را زیر ستونی از ستون‌های مسجد کوفه پنهان کرده است و آن حضرت در آن قباله چنین بیان فرموده‌اند: «شخصی با هفت تن می‌آید... آنچه در قباله مذکور است، از جهت شما مطالعه می‌نماید... مطیع و منقاد او باشید که او منم، من اویم» (طیبی، ۱۳۴۹: ص ۱۵۴۶). در کلام دیگری در مورد پیدا شدن قباله ظهور این‌گونه آمده است:

پیره زالی بی و عهد حیدر	جام ماسی آوه آورد آوشهر
نوش جان مکرد شای دلدل سوار	روزی دهنده صغار و کبار
فرما صاحب نور ای دژ آوماسه	ارای قباله سَرْمَگو خاصه
تا نامه و ناو ممالک نو کرد	تا تشریف و ناو شار کوفه برد
قباله و زیر ستونش گذاشت	ستون مسجد و جاگه ورداشت

(سوری، ۱۳۴۴: ص ۸۴).

پس از آن، امام علی علیه السلام در جامه شاه خوشین ظهور می‌کند و قباله را در حالی که دوازده مهر امامت در ذیل آن وجود دارد، در جامه جدید به یاران خود نشان می‌دهد. این امر باعث می‌شود یاران شاه خوشین مطیع او گردند (طیبی، ۱۳۴۹: ص ۱۵۴۶-۱۵۴۷).

قیام مردی سفاک

از نشانه‌های دیگر ظهور، قیام مردی خونریز از قزوین است که بیگناهان بسیاری را از دم تیغ خود می‌گذراند و خون آنان را بر زمین می‌ریزد. قتال بین حق و باطل در دشت قزوین، از علائم



انکار ناپذیر ظهور موعود در باور یارسان است. برخی از پژوهشگران یارسان در این زمینه نوشته‌اند: «شخصی خدمت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رسد و می‌پرسد آیا ظهور منجی عالم نزدیک است؟ ایشان می‌فرمایند: به خدا سوگند تا آن مرد شقی در قزوین خروج نکند و دشت را از خون بی‌گناهان رنگین نسازد، ظهوری اتفاق نخواهد افتاد» (چراغپوران، ۱۳۸۹: ص ۴۲۲)؛ و در جای دیگر با تمسک به کلام یارسان در تایید این مطلب چنین گفته شده است:

نه قزوین می‌و ————— هم جنگ جاله نه قزوین میو
هم قتل عظیم دعوی دین میو ————— هم سان سلطان سرزمین میو

ترجمه: در قزوین جنگ چاله اتفاق خواهد افتاد و قتالی عظیم در اثبات حقانیت دین، به پا خواهد شد و سپس مولای صاحب الامر (سلطان سرزمین) و فراخوان و عرض سپاهیان الهی ظهور خواهد کرد (همان، ص ۴۲۱-۴۲۲).

انتقال حکومت به صالحان

پیروان آیین یارسان معتقدند که پس از ظهور، افراد با ایمان، به عنوان حاکمان شهرها انتخاب می‌شوند:

قسمت مکرو شاه و دس ویش ————— هر کس یکرنگن رسد مده پیش
جماران پاک ریاضت کیشان ————— هر یکی شاری شاه مدی پیشان

ترجمه: شاه با دست خود کار تقسیم بندی را انجام می‌دهد؛ به هر کس که جزو یاران خالص و یکرنگ بوده حکمی می‌دهد؛ جمع یاران پاک و اهل ریاضت هر کدام به شهری فرستاده می‌شوند (نیک‌نژاد، ۱۳۵۲: ص ۳۴).

خسوف و کسوف

از دیگر نشانه‌هایی که در کلمات یارسان برای ظهور بدان اشاره شده؛ خسوف و کسوف است که در مورد آن چنین آمده است:

آفتاب و مهتاب هر دو تار میو ————— نعره شاه حیدر سال مار میو



ترجمه: در سالی که از آن به عنوان سال مار یاد می‌شود، صدای شاه حیدر^۱ به گوش می‌رسد. در آن هنگام خورشید و ماه هر دو تاری می‌شوند^۲ (نیک‌نژاد، ۱۳۵۲: ص ۴۸).

صیحه آسمانی

یارسان صیحه فراگیر آسمانی را از علائم انکارناپذیر ظهور منجی موعود می‌داند که در ادبیات کردی، از آن به «بانگ جارچی» یا «بانگ بلبل» تعبیر شده است. بنابراین، آنان در حقیقت، نه تنها موعود را یاری دهنده آیین یارسان دانسته‌اند، بلکه ظهور مولای حاضر را متضمن سعادت ابدی بشر و پایان یافتن پلیدی‌ها می‌دانند (چراغپوران، ۱۳۸۹: ص ۴۱۳).

اوصاف منجی از دیدگاه یارسان

بزرگان و نویسندگان یارسان، برای منجی موعود اوصافی ذکر کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

موعود شخصی و بشری

بنابر اعتقاد یارسان، موعود، «شخصی» است و در واقع یارسان منتظر ظهور شخصی خاص به عنوان منجی هستند. در اندیشه یارسان، منجی موعود «متعین» است و بسیاری از خاندان‌های یارسان او را انسانی خاص با مشخصات فردی معرفی می‌کنند. اعتقاد یارسانیان در مورد شخصی بودن منجی، برخلاف باور برخی از صوفیان است که موعود را «نوعی» تلقی می‌کنند و معتقدند که در هر عصر و زمانی یک شخص، به عنوان موعود وجود دارد (مولوی، ۱۳۸۷: ص ۸۱۶-۸۱۹). در برخی از متون کلامی یارسان، واژه «نرگس» به عنوان نام مادر مهدی موعود آمده است. درویش نوروز سورانی در بند کلامی (دله ققنسیم) در این زمینه می‌گوید:

هم گل هم گل توب نصبه نرگس یارم نی دونه کس ندین هرگز

ترجمه: زاده نرگس به مانند گل، بلکه دسته گل است. یارم را به این شکل و شمایل هرگز کسی

۱. منظور ذات امام علی علیه السلام است که در دوران‌های بعد تجلی پیدا می‌کند.

۲. منظور گرفتگی خورشید و ماه (کسوف و خسوف) است.

ندیده است (دفتر خطی کلام نوروز، بی تا: ص ۲۳۸).

منجی مامور الاهی

آنچه از فحوای کلام و متون مقدس یارسان، در مورد اندیشه مهدویت و منجی پیداست، آن است که ایشان منجی را مظهر خدا یا خلیفه او در زمین می دانند که از طرف حق تعالی به عنوان منجی خواهد آمد (نیک نژاد، ۱۳۵۲: ص ۴۸).

وضعیت منجی قبل از ظهور

آنچه می توان از باور خاندان های سنتی یارسان به دست آورد، این است که مهدی و منجی در باور ایشان از دیده ها پنهان است و در آخرالزمان ظهور می کند؛ اما بحثی از غیبت صغرا و غیبت کبرا به میان نیامده است (القاصی، ۱۳۵۸: ص ۱۰۱).

موعود به لحاظ کارکرد

بنابر اندیشه یارسان، منجی، نجات بخشی جمعی و رسالت او معنوی - اجتماعی است. بعد از درگیری های منجی با ستمگران، در نهایت منجی غالب می شود و عدالت را برقرار می کند و جهان یک رنگ خواهد شد (خان الماس، بی تا: ص ۳۳).

دامنه رسالت منجی

بنابر اندیشه معتقدان به مسلک یارسان، منجی دارای کارکرد کیهانی است که براساس عملکرد وی، همه عالم، از جمله جامعه بشری، دگرگون می شود و به کمال مطلوب خویش نایل می آید. در واقع منجی موعود یارسان، بر اوضاع عالم بی تاثیر نیست؛ همان گونه که در ترجمه کلام خان الماس لرستانی، وضعیت دوره ظهور این گونه ذکر شده است:

«سام در آخرالزمان خواهد آمد و عدالتش زمین و آسمان را فرا می گیرد؛ آن زمان که سراسر عالم پر از جنگ و ستیز است و تمامی مردم در حیرت و سرگردانی هستند» (همان، ص ۶۹).

آرمان موعود

در باور یارسان، آرمان منجی، روبه آینده است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و ظلم و



سیاهی را از بین خواهد برد:

ظهور یعنی ظلم هیز گرد نه عالم
گشادی قاپی شوق‌ها نه طالم

ترجمه: ظهور، یعنی ظلم در عالم تمام خواهد شد و گشایش در کارها نمایان و خوشحالی و شادی برایم محقق می‌گردد (یاری، ۱۳۸۷ الف: ص ۱۰).

زمان ظهور موعود

بنابر باور یارسان، زمان ظهور موعود، پایان زمان است؛ یعنی وی در آخر الزمان ظهور خواهد کرد:

نه کشتار سام صاحب ذات و زور
اسرافیل نه عرش دم موی و صور

نه کشتار سام نه غرشت صور
پیدامو مهدی مولای لاقصور

ترجمه: بعد از کشتار سام، آن سامی که صاحب ذات و پر قدرت بوده است؛ اسرافیل از عرش در صور خواهد دمید. پس از آن کشتار و صدای غرش صور، مهدی، مولای معصوم ظهور خواهد کرد (خان الماس، بی تا: ص ۳۲).



نتیجه‌گیری

آنچه از باورهای مسلک یارسان براساس متون مقدس آن‌ها در مورد مهدویت آشکار می‌شود، آن است که یارسان به فردی به عنوان موعود اعتقاد دارند که در آخر الزمان ظهور و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد. منجی موعود که گاهی از آن به «صاحب‌الزمان» تعبیر می‌شود، دارای دو معنا است: یکی تجلی ذات در افراد و دوره‌های مختلف و دیگری منجی موعود در آخرالزمان با القابی مانند صاحب‌الزمان.

منابع کلامی و متون مقدس مسلک یارسان نشانه‌هایی برای ظهور منجی بیان کرده و برخی از اوصاف او را برشمرده‌اند که علائم گفته شده، با علائم مطرح در مورد مهدی صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مسلمانان، خصوصاً شیعیان دارای شباهت‌های فراوانی است. مسئله انتظار منجی موعود، قیام فردی قبل از ظهور منجی موعود، عدالت‌گستری منجی، عنوان مهدی و صاحب‌الزمان؛ از مهم‌ترین شباهت‌هایی است که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.

در عین شباهت‌هایی که میان منجی موعود در یارسان و تشیع وجود دارد، تفاوت‌هایی میان آن‌ها نیز مشاهده می‌شود. منجی موعود در باور یارسان از باور به دونادون متأثر است که ذات حق در او حلول کرده و وی متجلی از ذات حق به شمار می‌رود؛ ولی در اعتقاد شیعیان، مهدی موعود به عنوان بنده‌ای از بندگان خداوند و دوازدهمین امام معصوم است. در آیین یارسان، دوره غیبت به صورت مطلق ذکر شده و از غیبت صغرا و غیبت کبرا، اسمی به میان نیامده است. با وجود شباهت‌های فراوانی که در اعتقاد پیروان آیین یارسان با شیعیان در مورد منجی وجود دارد؛ برخی از جریان‌های سیاسی نوظهور که در آیین یارسان پدید آمده‌اند، اصل ارتباط آیین یارسان را با اسلام منکر شده و آن را به عنوان آیینی مستقل معرفی کرده‌اند و بر طبل جدایی این آیین از اسلام می‌کوبند.



منابع

۱. اکبری، سید محمد (۱۳۸۰). گلستان یارسان (دونادون)، بی جا، بی نا.
۲. امیری، معارف (۱۳۷۳). دفتر فارغ کرمانشاهی، بی جا، بی نا.
۳. تیموریان زند، یارمراد (۱۳۷۷). نمی ازیم حقیقت، تهران، هزار کلک.
۴. جیحون آبادی، نعمت الله (۱۳۶۱). حق الحقایق یا شاهنامه حقیقت (تاریخ منظوم بزرگان اهل حق)، محقق: محمد مکرری، تهران، طهوری.
۵. چراغپوران، کیومرث (۱۳۸۹). شرح کوتاه بر بعض کلام های مبارک حضرت خان الماس، تهران، ایمان.
۶. چهل اختران، ن (۱۳۸۲). دفتر کلامات ترکی، همدان، بی نا.
۷. حسینی، سید حسین (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی فرقه اهل حق، قم، ذکری.
۸. خدابنده، عبدالله (۱۳۸۲). شناخت فرقه اهل حق، تهران، امیر کبیر.
۹. خواجه الدین، سید محمد علی (۱۳۶۲). سرسپردگان تاریخ و شرح عقاید دینی و آداب و رسوم اهل حق (یارستان)، تهران، منوچهری.
۱۰. دلفانی، سیاوش (۱۳۷۹). تاریخ مشعشعیان (پیروان اهل حق)، قزوین، بحرالعلوم.
۱۱. دورینگ، ژان (۱۳۷۸). موسیقی و عرفان سنت اهل حق، مترجم: سودابه فضایی، آبادان، پرسش.
۱۲. رستمی، منصور (۱۳۹۲). بازشناسی آیین یارستان (اهل حق)، قم، رسالت یعقوبی.
۱۳. روحانی نژاد، حسین (۱۳۹۶). نقد عرفان های صوفیانه، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹). ارزش میراث صوفیه، تهران، امیر کبیر.
۱۵. سلطانی، محمد علی (۱۳۸۱). تاریخ خاندان های حقیقت و مشاهیر متاخر اهل حق در کرمانشاه، تهران، سها.
۱۶. سلطانی، محمد علی (۱۳۸۵). حریم حق؛ نقد و نگاهی بر کتاب پژوهشی دقیق در اهل حق تاریخ عقاید فقه، تهران، سها.
۱۷. سلطانی، محمد علی (بی تا). قیام و نهضت علویان زاگرس یا تاریخ تحلیلی اهل حق، تهران، سها.
۱۸. سوری، ماشاء الله (۱۳۴۴). سروده های دینی یارستان، تهران، یارستان.
۱۹. شاه ابراهیمی، امرالله (۱۳۷۴). شرح و ترجمه کلامات سید فرضی و شیخ امیر، صحنه، جمخانه شاه ابراهیمی.
۲۰. صفی زاده، صدیق (۱۳۷۵). نامه سرانجام یا کلام خزانه یکی از متون کهن یارستان، تهران، هیرومند.



۲۱. صفی زاده، صدیق (۱۳۷۶). دانشنامه نام آوران یارستان احوال و آثارمشاهیر، تاریخ کتاب‌ها و اصطلاحات عرفانی، تهران، هیرمند.
۲۲. صفی زاده، صدیق (۱۳۸۷). اهل حق پیران و مشاهیر، تهران، حروفیه.
۲۳. طاهری، طیب (۲۰۰۹). تاریخ و فلسفه سرانجام شرحی بر نحله‌های فکری و اعتقادی در کردستان فرهنگ یارسان، اربیل، اقلیم کردستان عراق، موکریانی.
۲۴. طبیبی، حشمت‌الله (آذر ۱۳۴۹). «اهل حق (۴)»، ماهنامه وحید، ش ۸۴، سال هفتم، ص ۱۵۵۱، ۱۵۴۳.
۲۵. عالی نژاد، خلیل (۱۳۶۵). پرسش و پاسخ‌های سپاه پاسداران از سید خلیل عالی نژاد، بی‌جا، بی‌نا.
۲۶. _____ (بی‌تا). دیوان خان الماس، بی‌جا، کتاب الکترونیک جلیل جمشیدی.
۲۷. فرخ منش، صحبت (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر دین و روان با تأکید بر اهل حق، تهران، مولف.
۲۸. القاصی، مجید (۱۳۵۸). آیین یاری مرام اهل حق، بی‌جا، بی‌نا.
۲۹. _____ (۱۳۶۲). مجموعه آیین یاری، اندرز یاری، رمز یاری، تهران، طهوری.
۳۰. کاکاسلطانی، میثم (۱۳۹۴). زندگی‌نامه سید خلیل عالی نژاد، بی‌جا، بی‌نا.
۳۱. لطفی، جواد (پاییز زمستان ۱۴۰۰). «جریان‌های نوظهور آیین یارسان (اهل حق): خوانشی انتقادی»، دوفصلنامه شیعه پژوهی، شماره ۲۱، ص ۲۴۷-۲۷۱.
۳۲. محمدی، محمد (۱۳۸۴). پژوهشی دقیق در: «اهل حق»، تاریخچه، عقاید، فقه، تهران، پازینه.
۳۳. مرادی، گلرمد (۱۹۸۶). نگاهی گذرا به تاریخ و فلسفه اهل حق (یارسان)، آلمان، هایدلبرگ.
۳۴. مستوفیان، علی‌امیر (۱۳۸۹). رهبران ضلالت، تهران، مولف.
۳۵. مولوی، جلال‌الدین بلخی (۱۳۸۷). مثنوی معنوی، محقق: توفیق سبحانی، تهران، روزنه.
۳۶. میره بیگی، طهمورث (۱۳۹۵). پیرامون یاری، بی‌جا، بی‌نا.
۳۷. نیک نژاد، کاظم (بی‌تا). گنجینه یاری، بی‌جا، بی‌نا.
۳۸. _____ (۱۳۵۲). دیوان خال الماس، بی‌جا، بی‌نا.
۳۹. الهی، نورعلی (۱۳۷۳). برهان الحق، چاپ هشتم، تهران، جیحون.
۴۰. یاری، کیورث (۱۳۸۷ الف). نسخه خطی دفتر تیمور بانیارانی، بی‌جا، بی‌نا.
۴۱. _____ (۱۳۸۷ ب). نسخه خطی دفتر شکر گهواره، بی‌جا، بی‌نا.

